



## زن در روایات

### حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

◀ مهدی مهریزی

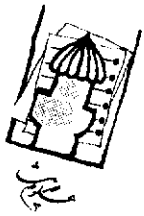
در روایتهای منقول از حضرت عبدالعظیم (ع) دو روایت مربوط به زنان به چشم می‌خورد، این نوشتار بر آن است تا تحلیلی سندی و متنی از این دو حدیث به دست دهد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

روایت یکم؛ حدیث معراج

حدَّثنا علي بن عبدالله الوراق قال : حدَّثنا محمد بن أبي عبدالله الكوفي ، عن سهل بن زياد الأدمي ، عن عبدالعظيم ابن عبدالله الحسني ، عن محمد بن علي الرضا ، عن أبيه الرضا ، عن أبيه موسى بن جعفر ، عن أبيه جعفر بن محمد ، عن أبيه محمد بن علي ، عن أبيه علي بن الحسين ، عن أبيه الحسين بن علي ، عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) قال : دخلت أنا وفاطمة على رسول الله (ص) ، فوجدته يبكي بكاءً شديداً ، فقلت : فداك أبي وأمي يا رسول الله ! ما الذي أبكاك ؟



فقال: يا علي، ليلة أسري بي إلى السماء رأيت نساء من أمّتي في عذاب شديد، فانكرت شأنهنّ فبكيت لما رأيت من شدّة عذابهنّ.

ورأيت امرأة معلقة بشعرها، يغلي دماغ رأسها.

ورأيت امرأة معلقة بلسانها، والحميم يُصبّ في حلقها.

ورأيت امرأة معلقة بشديها.

ورأيت امرأة تاكل لحم جسدها، والنّار توقد من تحتها.

ورأيت امرأة قد شدّ رجلاها إلى يديها، وقد سلّط عليها الحيات والعقارب.

ورأيت امرأة صمّاء عمياء خرساء في تابوت من نار، يخرج دماغ رأسها من منخرها، وبدنها متقطع من الجذام والبرص.

ورأيت امرأة معلقة برجليها، تنور من نار.

ورأيت امرأة تقطع لحم جسدها من مقدمها ومؤخرها بمقاريض من نار.

ورأيت امرأة تحرق وجهها ويدها، وهي تاكل أمعائها.

ورأيت امرأة رأسها الخنزير وبدنها بدن الحمار وعليها الف الف لون من العذاب.

ورأيت امرأة على صورة الكلب، والنّار تدخل في دبرها وتخرج من فيها والملائكة يضرّون رأسها وبدنها بمقامع من نار.

فقال فاطمة (س): حبيبي وقرّة عيني، اخبرني ما كان عملهنّ وسيرتهنّ حتّى وضع الله عليهنّ هذا العذاب؟

فقال: يا بنيّ، أمّا المعلقة بشعرها، فإنّها كانت لا تغطّي شعرها من الرجال.

وأمّا المعلقة بلسانها، فإنّها كانت تؤذي زوجها.

وأمّا المعلقة بشديها، فإنّها تمتنع من فراش زوجها.

وأمّا المعلقة برجليها، فإنّها كانت تخرج من بيتها بغير إذن زوجها.

وأمّا التي تاكل لحم جسدها، فإنّها تزيّن بدنها للنّاس.

وأمّا التي شدّ يدها إلى رجليها وسلّط عليها الحيات والعقارب، فإنّها كانت



قدرة الوضوء قدرة الثياب، وكانت لا تفتسل من الجنابة والحیض ولا تنتظف  
وكانت تستهين بالصلاة.

وَأَمَّا الصَّمَاءُ العَمِيَاءُ الخُرْسَاءُ، فَإِنَّهَا كَانَتْ تَلِدُ مِنَ الزَّانَا فِتْمَلَقَهُ فِي عُنُقِ زَوْجِهَا.  
وَأَمَّا الَّتِي تَقْرُضُ لَحْمَهَا بِالْمَقَارِيضِ، فَإِنَّهَا كَانَتْ تَعْرُضُ نَفْسَهَا عَلَى الرِّجَالِ.  
وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تَحْرِقُ وَجْهَهَا وَبَدَنَهَا وَتَأْكُلُ أَمْعَانَهَا، فَإِنَّهَا كَانَتْ قَوَادَةَ.  
وَأَمَّا الَّتِي كَانَ رَأْسُهَا رَأْسَ الْخَنْزِيرِ وَبَدَنُهَا بَدَنَ الْحَمَارِ، فَإِنَّهَا كَانَتْ نَمَامَةَ كَذَّابَةٍ.  
وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دَبْرِهَا وَتَخْرُجُ مِنْ فِيهَا،  
فَإِنَّهَا كَانَتْ قَبِيئَةً نَوَاحِيَةً حَاسِدَةً.

ثم قال (ع): ويل لامرأة اغضببت زوجها وطويى لامرأة رضي عنها زوجها؛  
عبدالعظيم حسنى از حضرت رضا و او از پدران گرامى اش از اميرالمؤمنين (ع)  
نقل مى كند كه فرمود: من و فاطمه بر حضرت رسول (ص) داخل شدیم، و  
او را، در حالى كه سخت مى گريست، مشاهده كرديم، گفتم: پدر و مادرم  
فداى تو باد! علت گريه شما چيست؟  
فرمود: يا على، شبيهى كه مرا به آسمان بردند، عده اى از زنان امت خود را ديدم،  
در حالى كه به عذاب سختى گرفتار بودند. از اين گرفتارى - كه از براى آنها بود -  
بسيار ناراحت شدم و لذا از ديدن اين منظره و شدت عذابشان به گريه افتادم.  
حضرت فرمود: زنى را ديدم كه از موهاى خود آويزان بود و مغز سرش  
مى جوشيد.

ديگرى را ديدم كه از زبان معلق شده و آب داغ بر حلق او مى ريختند.

يكى را ديدم كه از پستان آويزان گرديده است.

زنى را ديدم كه از گوشت بدن خود مى خورد، در حالى كه آتش در زير او  
شعله مى كشيد.

زنی را دیدم که پاهای خود را بر دست خویش محکم فشرده و مار و عقرب بر او مسلط شده بودند.

دیگری را مشاهده کردم، در حالی که گنگ و کر و لال بود و در میان تابوتی از آتش قرار داشت و مغز سرش از دو سوراخ بینی او بیرون می ریخت و بدن او از جذام و برص از هم پاشیده بود.

فرمود: زنی را دیدم که از پا به تنوری از آتش معلق شده بود.

دیگری را مشاهده کردم که گوشت بدنش را از جلو و عقب با مقراضها می بریدند.

زنی را دیدم که صورت و دستهای او می سوخت و وی امعای خود را می خورد.

دیگری را دیدم که سرش مانند سر خوک و بدنش مانند بدن الاغ و او را هزاران نوع عذاب فرا گرفته بود.

زنی را به هیئت سگ دیدم، در حالی که آتش در اسافل اعضای وی می رفت و از دهان او بیرون می شد و فرشتگان با عمود به سر و بدن او می زدند.

حضرت زهرا (س) عرض کرد: ای پدر بزرگوار، بفرمایید کارهای آنان در دنیا چه بوده که خداوند این عذابها را بر آنها مقرر ساخته است؟

حضرت فرمود: ای دختر من، آن زنی که از موها آویزان بود، برای این بود که وی سر خود را از نامحرمان نمی پوشید و موهای خود را پنهان نمی ساخت.

زنی که از زبان معلق بود، به خاطر این بود که وی از تمکین و فراش شوهرش خودداری می کرد.

زنی که از پا آویزان گردیده، برای این بود که بدون اذن شوهرش از خانه خارج می شد.

اما زنی که از گوشت بدن خود می خورد، او از این جهت معذب بود که خود



را آرایش می داد و در انتظار مردم جلوه می کرد.

زنی که پاهای او را به دستش چسبانیده و مار و عقرب بر او مسلط کرده بودند، بود به خاطر این بود که از کشفات و آلودگیها خود را تمیز نمی کرد و لباسهای خویش را چرکین نگاه می داشت، و از جنابت و حیض غسل نمی کرد و به نظافت و پاکیزگی اهمیت نمی داد و نماز را سبک می داشت. زنی که گنگ و کر و کور بود، از این جهت بود که فرزندان را از زنا می زاید و به شوهرش نسبت می داد.

زنی که گوشتهای بدنش با قیچی بریده می شد، از این جهت بود که او خود را در معرض خواهشهای مردان می گذاشت.

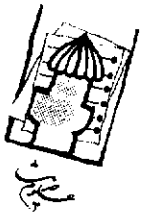
اما زنی که صورت و بدنش می سوخت و روده های خود را می خورد، برای این بود که وی زنها و مردها را هم مربوط می ساخت تا کارهای زشت و فحشا انجام دهند.

زنی که سرش مانند سر خوک و بدنش مانند بدن الاغ بود، علتش این بود که سخن چینی و نمّامی می کرد.

زنی که صورتش مانند سنگ بود و آتش در اسافل او داخل می شد و از دهانش بیرون می رفت، از این جهت بود که وی زنی آوازه خوان و حسود بود.

پس از آن حضرت فرمود: وای بر زنی که شوهرش را به خشم آورد، و خوشبخت آن زنی که زوج او از وی خوشنود باشد!

در بررسی این روایت، به طرح دو پرسش اساسی می پردازیم که یکی به صحت انتساب و صدور برمی گردد و دیگری به محتوا و متن، و البته نمی توان توقع داشت پاسخ کنونی، جواب نهایی تلقی گردد، بلکه هدف طرح مسأله و زمینه سازی جهت پژوهشهای عمیق تری است.



## پرسش نخست

آیا بر پایه قواعد ارزیابی سند بر مشربها و مسلکهای مختلف، راهی برای تصحیح این خبر وجود دارد؟

ذکر چند نکته می تواند در پاسخ مفید افتد:

۱. این روایت در کتب قدما تنها در عیون اخبار الرضا(ع)، اثر شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق) نقل شده است. پس از آن تا قرن یازدهم در دیگر آثار حدیثی ذکرى از آن در میان نیست و در این قرن در کتب وسائل الشیعة<sup>۲</sup> شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) و بحار الانوار<sup>۳</sup> علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) و نور الثقلین<sup>۴</sup> حویزی (م ۱۱۱۲ق) از عیون اخبار الرضا نقل شده است؛ چنان که در آثار حدیثی اهل سنت نیز نقل نشده است. قابل ذکر است که فرازهای دیگر حدیث معراج در کتب قدما چون المحاسن<sup>۵</sup> برقی (م ۲۷۴ق)، قرب الإسناد<sup>۶</sup> حمیری (م ۴ق)، الکافی<sup>۷</sup> کلینی (م ۳۲۹ق)، دعائم الاسلام<sup>۸</sup> قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) و آثار متعدد شیخ صدوق چون من لایحضره الفقیه<sup>۹</sup>، علل الشرائع<sup>۱۰</sup>، الامالی<sup>۱۱</sup>، التوحید<sup>۱۲</sup>، کمال الدین و تمام النعمة<sup>۱۳</sup> و معانی الاخبار<sup>۱۴</sup>

۲. ج ۲۰، ص ۲۱۳، ح ۲۵۴۵۷ (چاپ آل البیت).

۳. ج ۸، ص ۳۰۹، ح ۷۵ و ج ۱۸، ص ۳۵۱، ح ۶۲ و ج ۷۵، ص ۲۶۴، ح ۷ و ج ۷۹، ص ۱۱۴، ح ۳ و ج ۸۱، ص ۹۰، ح ۱۱ و ج ۸۲، ص ۷۶، ح ۹ و ج ۱۰۳، ص ۲۴۵، ح ۲۴.

۴. ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۲۷.

۵. ج ۱، ص ۵۶.

۶. ص ۱۰۱.

۷. ج ۱، ص ۹۸ و ج ۲، ص ۴۶ و ج ۳، ص ۳۰۲ و ج ۸، ص ۲۷۹.

۸. ج ۱، ص ۱۰۰.

۹. ج ۱، ص ۳۰۹ و ج ۲، ص ۱۹۹ و ج ۳، ص ۴۶۳.

۱۰. ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۲، ص ۴۳۳ و ۵۷۲ و ۶۰۱.

۱۱. ص ۲۱۳ و ۲۴۹ و ۴۳۵ و ۵۶۶ و ۴۹۶.

۱۲. ص ۱۰۸.

۱۳. ص ۲۵۲.

۱۴. ص ۴۲.



نقل شده است .

بر این اساس ، این حدیث قرینه کثرت نقل را در کتب قدما با خود ندارد ، با اینکه فرازهای دیگر به کثرت نقل شده است .

۲ . از جهت سندی در سلسله راویان آن سهل بن زیاد آدمی قرار دارد که نه تنها توثیق نشده ، بلکه برخی او را تضعیف کرده اند .

نجاشی درباره او گفته است :

سهل بن زیاد ، ابو سعید الادمی الرازی کان ضعيفاً فی الحدیث ، غیر معتمد فیه ، و کان أحمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو و الکذب و أخرجه من قم إلى الري .<sup>۱۵</sup>

شیخ طوسی گوید :

سهل بن زیاد الادمی الرازی ، یکنی ابا سعید ، ضعيف .<sup>۱۶</sup>

و نیز در استبصار در ذیل روایتی نوشته است :

و اما الخبر الاول ، فراویه ابو سعید الادمی و هو ضعيف جداً عند نقاد الاخبار .<sup>۱۷</sup>

و ابن غضائری درباره اش گفته است :

سهل بن زیاد ابو سعید الادمی الرازی ، کان ضعيفاً جداً فاسد الروایة و

المذهب .<sup>۱۸</sup>

و چنان که محققان دانش رجال گفته اند ، توثیق شیخ طوسی در یک مورد از

کتاب رجال سهرالقلمی از سوی او و یا ازدیادی از سوی نسخه پردازان است .<sup>۱۹</sup>

و همینان گفته اند که تلاشهای وحید بهبهانی در توثیق سهل ره به جایی نمی برد

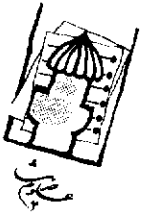
۱۵ . الفهرست ، ص ۱۴۲ .

۱۶ . حاشیه خلاصة الاقوال ، ص ۳۵۷ .

۱۷ . خلاصة الاقوال ، ص ۳۵۷ .

۱۸ . رجال النجاشی ، ص ۱۸۵ .

۱۹ . معجم الرجال الحدیث ، ج ۸ ، ص ۳۴۰



و این شواهد و قراین بسیار سُست است. ۲۰

همچنین محمد بن ابی عبدالله الکوفی در کتب رجال توثیق نشده است، گرچه تضعیفی نیز برایش مکتوب نیست. ۲۱

۳. از سوی دیگر در حوزه مسائل معرفتی و اخبار از حقایق، خبر واحد صحیح السند نیز اعتباری ندارد؛ چرا که این حوزه از مسائل تعبد بردار نیست. ۲۲

خلاصه آنکه راهی برای پی بردن به صدور و انتساب این حدیث در دست نیست.

### پرسش دوم

در این حدیث، یازده نکته درباره رفتار زنان ذکر شده است. پنج مطلب به زنان اختصاص دارد: ۱. حجاب، ۲. بیرون رفتن از منزل، ۳. امتناع از بستر همسر، ۴. آرایش و خودآرایی، ۵. عرضه خویش بر مردان.

و شش مطلب دیگر از رفتارهای مشترک است؛ یعنی در رفتار مردان و زنان، یکسان دیده می شود. آنها عبارت اند از: ۱. زنا، ۲. همسرآزاری، ۳. پلیدی و پلشتی، ۴. قوادی، ۵. سخن چینی و دروغگویی، ۶. آواز خوانی و حسادت.

سؤال این است که چرا در این رفتارهای مشترک، فقط زنان گنهکار منظور شده اند، با آنکه رسول خدا این سخنان را در برابر حضرت علی (ع) و فاطمه (س) بیان می کرد، آیا این رفتارها از مردان سر نمی زند، آیا می توان گفت این رفتارها در زنان بیشتر است؟ به سخن دیگر، چرا رسول خدا از مردانی که به چنین گناهایی آلوده شده و کیفر می دیدند، خبر نداد؟

گذشته از آنکه حرمت برخی از آن موارد پنجگانه به صورت مطلق در بحثهای

۲۰. همان، ص ۳۳۹-۳۴۰.

۲۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۷-۲۷۳.

۲۲. پیش از این در مقاله ای دیگر در همین فصلنامه، ش ۴، ص ۸۳-۸۷ به این موضوع پرداخته شده است.





فقهی مورد تردید است .

خروج زنان از منزل ، بدون اذن شوهران در صورتی حرام است که با حقوق خاص شوهر مغایرت داشته باشد . از این رو ، برخی از فقیهان ، چون آیه الله خویی ، خروج زن را در صورت عدم تنافی با حقوق خاص شوهر جایز می شمرد ، ایشان در این زمینه می گوید :

زن نمی تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود ، در صورتی که بیرون رفتن با حق استمتاع منافی باشد ؛ البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اجازه خارج نشود .<sup>۲۳</sup>

## روایت دوم

عن احمد بن أبي عبد الله البرقي ، عن عبد العظیم بن عبد الله الحسني ، عن محمد بن عمر بن یزید ، عن حماد بن عثمان ، عن عمر بن یزید قال : قال ابو عبد الله (ع) جاءت امرأة من اهل البادية إلى النبي (ص) ومعه صبيان حامله واحداً وآخر يمشي ، فأعطاها النبي (ص) قرصاً ، ففلقت بينهما ، فقال رسول الله (ص) : الحاملات الرحيمات لولا كثرة لعينهن ، لدخلت مصلياتهن الجنة ؛<sup>۲۴</sup>

عمر بن یزید گوید : حضرت صادق (ع) فرمود : زنی از بادیه نشینان خدمت حضرت رسول (ص) رسید ، در حالی که دو کودک همراه داشت ؛ یکی از آن دو را بغل گرفته و دیگری با او راه می رفت . حضرت به آن زن قرص نانی مرحمت فرمود ، زن قرص نان را بین آن دو کودک تقسیم کرد . پیغمبر فرمود : زنانی که کودکان خود را در بغل می گیرند و به آنان مهر و محبت می ورزند ، اگر کثرت لعب و لهو آنان نبود ، اکثر نمازگزارانشان داخل بهشت می شدند .

در منابع دیگر این حدیث با تغییراتی در مضمون نقل شده است .

۲۳ . منهاج الصالحین ، ج ۲ ، ص ۲۸۹ ؛ مستند عروة الوثقی ، کتاب النکاح ، ج ۲ ، ص ۳۶۲ .

۲۴ . علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۵۹۸ ؛ بحار الانوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۲۷ ، ح ۱۸ .



محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: خطب رسول الله (ص) النساء فقال: يا معشر النساء، تصدقن ولو من حليكن ولو بشق تمرة، فإن أكثرن حطب جهنم، إنكن تكثرن اللعن وتكفرن العشرة، فقالت امرأة: يا رسول الله، اليس نحن الامهات الحاملات المرضعات، اليس منّا البنات المقيمات والإخوات المشفقات؟ فقال: حاملات والذات مرضعات رحيمات، لولا ما ياتين إلي بعولتهن، ما دخلت مصلية منهن النار؛ ۲۵

ابو بصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که رسول خدا (ص) زنان را مخاطب قرار داده و فرمود: ای گروه زنان، صدقه دهید گرچه از زیور خود یا نیم خرمایی باشد؛ زیرا بیشتر شما هیزم دوزخ اید. شما بسیار لعن و نفرین بر زبان دارید و معاشرت را نادیده می انگارید. زنی فرمود: ای رسول خدا، آیا ما مادران و شیردهنده کودکان نیستیم؟ آیا دختران همراه و خواهران مهربان از ما نیست؟ آن گاه فرمود: شما باردار، زاینده، شیردهنده و مهربانید؛ اگر رفتار [بد]تان با شوهران نبود، هیچ نمازگزاری از شما به آتش نمی افتاد.

در منابع اهل سنت این حدیث با تعبیراتی دیگر منقول است:

حدثنا عبد الله، حدثني ابي، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبه و حجاج، قال حدثني شعبه عن منصور؛ قال سمعت سالمًا، قال حجاج عن سالم بن ابي الجعد، قال ابن جعفر سمعت سالم بن ابي الجعد، قال ذكرني عن ابن امامة: إن امرأة اتت النبي (ص) تسأله و معها صببان لها، فأعطاها ثلاث تمرات، فأعطت كل واحد منهما تمرة، قال ثم إن أحد الصبيين بكى، قال فشققتها فأعطت كل واحد نصفاً. فقال رسول الله (ص): حاملات والذات رحيمات باولادهن لولا



ما یصنعن بازواجهن لدخل مصلیاتهن الجنة؛<sup>۲۶</sup>

زنی نزد پیامبر آمد تا از ایشان سؤال کند و همراه او دو کودک بود. پیامبر به وی سه خرما داد. زن هم به هر یک خرمایی داد. آنگاه یکی از دو کودک گریه کرد. مادر خرمای سوم را دو نیمه کرد و به هر یک داد. آن گاه رسول خدا فرمود: مادرانی که کودکان را حمل می کنند و به آنان مهر می ورزند، اگر نبود آنچه که با شوهران رفتار می کنند، نمازگزاران آنها وارد بهشت می شدند.

با تفاوتی اندک در سند و متن در جای دیگر مسند احمد نیز نقل شده است.<sup>۲۷</sup> همین مضمون با سندی متفاوت در سنن ابن ماجه نیز منقول است؛<sup>۲۸</sup> چنان که پاره ای از کتابهای دیگر حدیثی اهل سنت نیز آن را درج کرده اند.<sup>۲۹</sup> درباره این حدیث نیز مانند حدیث سابق دو بحث مطرح است:

#### یک. ارزیابی صدور

حدیث علل الشرائع به جهت عدم توثیق محمد بن عمر بن یزید<sup>۳۰</sup> اعتبار رجالی به معنای مشهور را ندارد و حدیث کافی به جهت وجود علی بن ابی حمزه ضعیف است.<sup>۳۱</sup> علامه مجلسی نیز بدان تصریح دارد و فرموده است:

۲۶. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۵۲-۲۵۳.

۲۷. ج ۵، ص ۲۵۷.

۲۸. ج ۱، ص ۴۶۸، ح ۲۰۱۳.

۲۹. المستدرک، ج ۴، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ المصنف عبدالرزاق، ج ۱۱، ص ۳۰۳، ح ۲۰۶۰۲؛

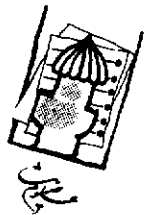
المعجم الصغير، ج ۲، ص ۴۷، ح ۸۹۹؛ المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۷۹؛ المعجم

الكبير، ج ۸، ص ۲۵۲؛ الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۶۶؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۶۶، ح

۳۶۶۱؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۰۷، ح ۴۵۱۳۳.

۳۰. معجم الرجال الحديث، ج ۱۷، ص ۶۹.

۳۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۲۵.



روایت ابن ماجه را شارحان این کتاب، ضعیف توصیف کرده اند. ۳۳. همچنین این روایت نیز مانند حدیث گذشته قرینه کثرت نقل در کتب متقدم را با خود به همراه ندارد، گرچه قدری از آن بلند پایه تر است. از آنجا که این حدیث نیز مربوط به مضامین غیر فقهی است، همان قاعده اینجا نیز سریان دارد.

### دو. ارزیابی محتوایی

در روایت حضرت عبدالعظیم، کثرت لعب و لهو به عنوان مانع بهشت یاد شده و در دو نقل دیگر، رفتار زنان با شوهران مانع شمرده شده است. مفهوم حدیث، چنان است که به جهت کثرت لهو یا رفتار نامناسب با شوهران، اکثر نماز گزاران زنان از بهشت محروم اند و یا اینکه اهل آتش اند. البته بدین مضمون روایتهایی دیگر نیز نقل شده است؛ ۳۴ ولی این مضمون با دسته های دیگر از روایات ناسازگاری دارد که به اجمال بدان اشاره می شود:

الف. روایاتی که اکثر بهشتیان را زنان معرفی می کند، یا اکثر بهشتیان را از مستضعفان زنان می داند. البته معارضة قسم دوم، چندان چشمگیر نیست.

۱. و روی الفضیل عن ابي عبدالله (ع) قال: قلت: له شيء يقوله الناس إن أكثر أهل النار يوم القيامة النساء قال: و آتی ذلك، و قد يتزوج الرجل في الآخرة الفأ من نساء الدنيا في قصر من درة واحدة؛ ۳۵

فضیل گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردم می گویند بیشتر دوزخیان در قیامت زنان اند؟ فرمود: چگونه، با اینکه در آخرت یک مرد با هزار زن دنیایی

۳۲. مرآت المقول، ج ۲۰، ص ۳۲۸.

۳۳. ضعیف سنن ابن ماجه، ص ۱۵۴، ش ۴۳۸؛ اهداء اللیباج، ج ۲، ص ۶۶۱.

۳۴. ر.ك: شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۶-۱۵۲.

۳۵. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸، ح ۴۶۲۷.



ازدواج می کند و در کاخی که از دُرّه بنا شده زندگی می کنند.

۲. و باسناده (الصدوق) عن عمار الساباطی، عن ابی عبداللّٰه (ع) قال: اکثر

اهل الجنة من المستضعفين النساء، علم الله ضعفهن فرجهن؛<sup>۳۶</sup>

امام صادق (ع) فرمود: بیشتر بهشتیان از مستضعفان زنان اند. خداوند ضعف

و ناتوانی شان را دید و آنان را مورد رحمت قرار داد.

ب. احادیثی که دلالت دارد بهشت زیر پای زنان یا مادران است، یا بوسیدن

میان چشمان مادر، آدمی را بهشتی می کند:

۱. حدثنا أبو یوسف محمد بن احمد الرقی، حدثنا محمد بن سلمة الحرانی،

عن محمد بن اسحاق، عن محمد بن طلحة بن عبدالرحمن بن ابی بکر

الصدیق، عن معاوية بن جاهمة السلمي قال أتیت رسول الله (ص) فقلت: یا

رسول الله، إني كنت أردت الجهاد معك ابتغى بذلك وجه الله والدار الآخرة

قال: ويحك أحيه أمك؟ قلت نعم یا رسول الله. قال فارجع إليها فبرها. ثم

آتيته من امامه فقلت: یا رسول الله، إني كنت أردت الجهاد معك ابتغى بذلك

وجه الله والدار الآخرة. قال: ويحك أحيه أمك؟ قلت: نعم یا رسول الله،

قال: ويحك الزم رجلها فشم الجنة؛<sup>۳۷</sup>

معاوية بن جاهمة گوید: خدمت پیامبر (ص) رسیدم و گفتم: می خواهم با

شما در راه خدا و زندگی آخرت جهاد کنم. فرمود: آیا مادرت زنده است؟

گفتم: بلی. فرمود: برگرد و به او نیکی کن. از مقابل حضرت آمدم و گفتم:

ای رسول خدا، می خواهم با شما در راه خدا و برای زندگی آخرت در جهاد

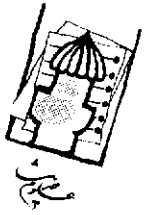
شرکت کنم. فرمود: آیا مادرت زنده است؟ گفتم: بلی. فرمود: پاهای

۳۶. وسائل الشیمة، ج ۱۴، ص ۱۱۹، ح ۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸؛ مکارم

الاخلاق، ص ۲۳۵.

۳۷. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۹-۹۳۰؛ ب ۱۲، ح ۲۷۸۱؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۲،

ش ۴۵۴۴۴؛ میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۷۱۳.



مادرت را بجسب که بهشت همان جاست .

۲ . إن الجنة تحت رجل المرأة؛<sup>۳۸</sup>

بهشت زیر پای زن است .

۳ . عن انس عن النبي (ص) : الجنة تحت اقدام الامهات؛<sup>۳۹</sup>

پیامبر (ص) فرمود : بهشت زیر پاهای مادران است .

۴ . عن فاطمة عن النبي (ص) : ألزم رجلها فإن الجنة تحت اقدامها؛<sup>۴۰</sup>

پیامبر (ص) فرمود : ملازم مادر باش ، که بهشت زیر پاهای اوست .

۵ . عن سعيد بن المسيب قال : قال عمر : كنا مع رسول الله (ص) على جبل فاشرفنا

على واد ، فرأيت شاباً يرعى غنماً له اعجبني شبابه . فقلت : يا رسول

الله (ص) ، و ای شباب لو كان شبابه فى سبيل الله ا فقال النبي (ص) : يا عمر ،

فلعله فى بعض سبيل الله و انت لا تعلم . ثم دعاه النبي (ص) فقال : يا شاب ،

هل لك من تعول؟ قال : نعم . قال : من؟ قال : امى . فقال النبي (ص) :

الزما ، فإن عند رجلها الجنة؛<sup>۴۱</sup>

عمر گوید : یا پیامبر بر بلندای کوهی بودیم که مشرف بر سرزمینی بود .

جوانی را دیدم که چوپانی می کند . از جوانی اش خوشم آمد . گفتم : ای

رسول خدا ، چه جوانی ! کاش جوانی اش در راه خدا بود . پیامبر فرمود :

شاید در راه خداست و تو نمی دانی . پیامبر جوان را فراخواند و فرمود : ای

جوان ، آیا عایله داری؟ گفت : بلی . فرمود : چه کسی؟ گفت : مادرم .

فرمود : ملازم او باش ، که بهشت پیش پاهای اوست .

۶ . حدثنا بكر بن محمد الصيرفي بمرور ، حدثنا ابو قلاية و حدثنا على بن حمشاذ

۳۸ . الطبقات الكبرى ، ج ۴ ، ص ۲۷۴ .

۳۹ . كنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۶۱ ، ش ۴۵۴۳۹ .

۴۰ . همان ، ص ۴۶۲ ، ش ۴۵۴۴۳ .

۴۱ . همان ، ج ۴ ، ص ۶-۷ ، ش ۱۱۷۶۰ .



العدل، حدثنا الحسن بن سهل الجوزي، حدثنا ابو عاصم عن ابن جريح،  
حدثني محمد بن طلحة بن عبدالرحمن، عن ابيه، عن معاوية بن جاهمة،  
ان جاهمة اتى النبي (ص) فقال: يا رسول الله، ائتني اردت ان اغزو و جئت  
استشيرك. فقال: اك والدة؟ قال: نعم. قال: اذهب فالزمها، فإن الجنة  
عند رجليها؛ ٢٢

جاهمة نزد رسول خدا آمد و گفت: می خواهم همراه شما در جنگ شرکت  
کنم و برای مشورت نزد شما آمدم. پیامبر (ص) فرمود: آیا مادر داری؟ گفت:  
بلی. فرمود: برو و ملازم او باش، که بهشت پیش پاهای اوست.  
٧. الجنة بناؤها اقدام الامهات؛ ٢٣

زیر بنای بهشت، گامهای مادران است.

٨. عن ابن عباس، عن النبي (ص): من قبل بين عيني أمه كان له سترأ من  
النار؛ ٢٤

پیامبر فرمود: هر که میان چشمان مادرش را ببوسد، این بوسه پرده ای در برابر  
آتش خواهد بود.

ج. روایاتی که محبت و علاقه مندی به زنان را نشانه دینداری می داند:

١. محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن عبدالله بن محمد، عن  
علي بن الحكم، عن ابان بن عثمان، عن عمر، عن يزيد، عن ابي عبدالله (ص)  
قال: ما اظن رجلاً يزاد في الايمان خيراً إلا ازداد حباً للنساء؛ ٢٥

امام صادق (ع) فرمود: گمان نمی کنم مردی ایمانش افزایش یابد و علاقه اش

٢٢. میزان الحکمة، ج ١٠، ص ٧١٣، ش ٢٢٣٩٨؛ المستدرک، ج ٤، ص ١٥١؛ مستند احمد،  
ج ٣، ص ٤٢٩.

٢٣. موسوعة اطراف الحديث النبوي، ج ٤، ص ٥١٣.

٢٤. همان، ج ٨، ص ٤٥٢؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٦٢، ش ٤٥٤٢٢.

٢٥. وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١١.



به زنان افزون نشود.

۲) عن علی بن ابراهیم، عن ابیه عن صالح بن السندی، عن جمفر بن بشیر، عن ابان، عن عمر بن یزید، عن ابی عبداللہ (ع) قال: ما اظن رجلاً یزداد فی الایمان خیراً إلا اُزداد حباً للنساء؛<sup>۴۶</sup>

امام صادق (ص) فرمود: گمان نمی‌کنم افزایشی در ولایت مردی حاصل شود و علاقه‌اش به زنان افزایش نیابد.

۳. عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن اسحاق بن عمار، عن ابی عبداللہ (ع) قال: من اخلاق الانبیاء حب النساء؛<sup>۴۷</sup>  
امام صادق (ع) فرمود: خلق و خوی پیامبران، علاقه به زنان است.

چگونه علاقه به جهنمیان نشانه ایمان و ولایت است؟ چگونه خوی پیامبران، محبت ورزیدن به اهل جهنم است؟

د. روایاتی که دلالت دارد نیکی به دختر و خواهر، سبب رفتن به بهشت است.

۱. عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحکم، عن عمر بن یزید، عن ابی عبداللہ (ع) قال: قال رسول اللہ (ص): من عال ثلاث بنات او ثلاث بنات او ثلاث اخوات، وجبت له الجنة، فقیل: یا رسول اللہ (ص)، واثنتین؟ فقال: یا رسول اللہ (ص)، و واحدة فقال: و واحدة؛<sup>۴۸</sup>  
رسول خدا فرمود: هر کس، سه دختر یا سه خواهر را اداره کند، بهشت برایش واجب است. گفته شد: ای رسول خدا، دو تا چطور؟ فرمود: و دو تا. گفته شد: ای رسول خدا، یکی چطور؟ فرمود: و یکی.

۴۶. همان، ج ۱۴، ص ۹، ح ۱.

۴۷. الکافی، ج ۵، ص ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۹، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸ و ۲۲۸.

۴۸. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰، ح ۳ و نیز احادیث ۵، ۶، ۷ بر همین مطلب دلالت دارد.





۲. حدثنا احمد بن محمد، حدثنا عبدالله بن المبارك، حدثنا ابن عيينه، عن سهيل بن ابي صالح، عن ايوب بن بشير، عن سعيد الاعشى، عن ابي سعيد الخدرى قال: قال رسول الله (ص): من كانت له ثلاث إخوان أو ابنتان أو اختان، فاحسن صحبتهن و اتقى الله فيهن فله الجنة؛<sup>۴۹</sup>

رسول خدا فرمود: هر که سه خواهر یا دو دختر یا دو خواهر داشته باشد و با آنان نیک رفتار کند و با خداترسی با آنان معاشرت کند، بهشت ارزانی اوست.

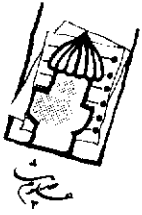
چگونه خدمت به جنسی که اکثر آنان جهنمی اند، بهشت را واجب می سازد؟  
 هـ. روایاتی که دلالت دارد زنان با حمل و وضع حمل و شیردادن ثواب غیر قابل شمارش کسب می کنند:

۱. محمد بن علی بن الحسین فی الامالی، عن محمد بن الحسن، عن الصفار، عن محمد بن الحسین بن ابي الخطاب، عن الحكم بن سکین، عن ابي خالد الکعبی، عن ابي عبدالله (ع) إن رسول الله (ص) قال: ایما امرأة دفعت من بیت زوجها شیئاً من موضوع إلى موضوع تريد به صلاحاً نظر الله إليها و من نظر الله إليها لم يعذبها. فقالت ام سلمة یا رسول الله (ص): ذهب الرجال بكل خیر فای شیء للنساء المساکین؟ فقال (ع): بلی، إذا حملت المرأة، كانت بمنزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه و ماله فی سبیل الله، فإذا وضعت، كان لها من الاجر ما لا یدری احد ما هو لعظمه. فإذا ارضعت، كان لها بكل مصة كعدل عتق محرر من ولد اسماعیل. فإذا افرغت من رضاعه، ضرب ملك کریم علی جنبها و قال: استأنفی العمل فقد غفرلك؛<sup>۵۰</sup>

رسول خدا (ص) فرمود: هر زنی که در خانه شوهر وسیله ای را از جای به جای بگذارد و قصد خیر داشته باشد، خدا به او توجه کند و هر که مورد نظر

۴۹. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۱۳، ح ۱۹۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۸، ش ۴۵۳۶۹.

۵۰. وسائل الشیمة، ج ۱۵، ص ۱۷۲، ح ۱.



خداوند باشد، او را عذاب نمی‌کند. ام سلمه گفت: ای رسول خدا، مردان همه خوبیها را از آن خود ساختند. زنان بیچاره چه دارند؟ فرمود: وقتی زنی باردار شد، مانند روزه‌داری است که به شب زنده‌داری مشغول است و در راه خدا با جان و مال جهاد می‌کند. هنگامی که وضع حمل کرد، چنان پاداشی دارد که هیچ کس نداند. هنگامی که بچه شیر می‌دهد، در برابر هر مک زدن، ثواب آزاد کرده برده‌ای از فرزندان اسماعیل را دارد و وقتی شیر دادن تمام شد، فرشته گوید: گذشته‌ات بخشوده شد؛ از نو شروع کن.

۲. فی حدیث الحولاء العطاراة بالسند المتقدم فی ابواب المقدمات قال: قال رسول الله (ص): ... یا حولاء، والذی بعثنی بالحق نبیاً و رسولاً و مبشراً و نذیراً ما من امرأة تحمل من زوجها ولداً إلا کانت فی ظلّ الله - عزوجل - حتی یصیبها طلق، یكون لها بكل طلقه عتق رقبة مؤمنة، فإذا وضعت حملها و اخذت فی رضاعه، فما یمصّ الولد مصّة من لبن أمّه، إلا کان بین یدیهما نوراً ساطعاً یوم القیامة، یمجب من رآها من الاولین و الآخرین، و کتبت صائمة قائمة و إن کانت غیر مفطرة، کتب لها صیام الدهر کله و قیامه. فإذا فطمت ولدها، قال الحق - جل ذکره -: یا ایتها المرأة، قد غفرت لك ما تقدم من الذنوب فاستأنفی العمل؛<sup>۵۱</sup>

رسول خدا فرمود: ای حولاء، سوگند به آنکه مرا به پیامبری برانگیخت، هر زنی که از شوهرش باردار شود، در سایه خدا زندگی می‌کند، تا هنگام درد زایمان، هر دردی ثواب آزاد کردن یک بنده مؤمن را دارد. وقتی فارغ شد و شیر دادن را شروع کرد، هرگاه کودک مک زند، روز قیامت پیش روی آن زن، نوری درخشد که هر بیننده‌ای را به عجب وادارد. و او روزه‌دار شب زنده‌دار محسوب شود. اگر در این حال روزه بدارد، ثواب روزه و عبادت تمام



روزگار برایش ثبت شود. وقتی کودک را از شیر گرفت خداوند فرماید: ای زن، گناه گذشته ات را بخشیدم؛ از نو آغاز کن.

۳. و عن سعید بن جبیر عن ابن عمر احسبه رفعه، عن النبي (ص): المرأة في حملها إلى وضعها إلى فصالتها كالمرابط في سبيل الله وإن ماتت فيما بين ذلك، فإنها اجر شهيد؛<sup>۵۲</sup>

رسول خدا فرمود: زن از هنگام بارداری تا هنگام از شیر گرفتن کودک، مانند رزمنده در راه خداست و اگر در این مدت جان دهد، پاداش شهید دارد.

۴. المرأة إذا حملت كان لها اجر الصائم القائم المحبب المجاهد في سبيل الله، و إذا ضربها الطلق فلا تدرى الخلاق ما لها من الاجر فاذا وضعت كان لها بكل مصة أو رضعة اجر نفس تحييها، فاذا فطمت، ضرب الملك على منكبيها و قال استأنفى العمل؛<sup>۵۳</sup>

زن وقتی حامله شد، ثواب روزه دار عابد - که در راه خدا جهاد می کند - خواهد داشت. و هنگامی که درد زایمان گرفت، موجودات نمی دانند او چه پاداشی دارد. وقتی فارغ شد، هر شیر دادن یا مک زدن به سان زنده کردن یک جان ارزش دارد. وقتی کودک را از شیر گرفت، فرشته ای به کتفش زند و گوید: عمل را از سرگیر.

غالب زنان، این مراحل را احراز می کنند و بدین جهت، بهشتی خواهند بود. بسیار مستبعد است که گفته شود پس از کسب این مقام، چنان بدی بر آنان غلبه دارد که مجدداً خود را جهنمی می سازند. بر این اساس، این دسته از احادیث نیز با روایات ذکر شده، معارضه خواهد داشت.

۵۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۱، ش ۴۵۱۵۹؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۵.

۵۳. همان، ش ۴۵۱۶۰.